



## بازدید شهر دار مشهد

## و ۲ معاون استاندار از کشف رود

شهر دار مشهد که چندی پیش توسط استاندار به عنوان فرمانده جدید سامان دهی و نجات کشف رود انتخاب شده بود، روز گذشته به همراه معاونان هماهنگی امور عمرانی و امور اقتصادی استاندار از وضعیت کشف رود بازدید کرد.
محمدرضا کلابی شهر دار مشهد، یزدان پناه و رسولیان معاونان استاندار، در این بازدید که از زمین های اطراف رودخانه کشف رود در مسیر انتهای خیابان پنج تن تاروستای گر جی انجام شد، از مشکلات و معضلات بهداشتی این منطقه مطلع شدند.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهر داری مشهد، معاون خدمات شهری شهر داری مشهد نیز که در این بازدید شهر دار و معاون استاندار را همراهی می کرد، در این زمینه از آمادگی کامل شهر داری در خصوص درختکاری در عرصه رودخانه کشف رود خبر دادو گفت: در بازدید قبلی از این محل که به همراه استاندار انجام شد، اجماعی مبنی بر تشکیل مدیریت واحد زیر نظر شهر داری برای نجات کشف رود شکل گرفت و بنا شد ۱۴ مجموعه دخیل در سامان دهی کشف رود از جمله آب منطقه ای، آب و فاضلاب و... در قالب مدیریت واحداور دعمل شوند.
یعقوبی با اشاره به این که علت اجماع این بود که شهر داری مدیریت واحد باشد و متولی موضوع شود، ادامه داد: هم اکنون بستر رودخانه کشف رود آزاد شده است و باید برای تثبیت آن اقداماتی انجام دهیم. وی تصریح کرد: در بازدید فعلی نیز برای رفع موانع موجود، ایزنی هایی صورت گرفت و در نهایت نباشد هماهنگی های بین بخشی صورت گیرد و عرصه رودخانه کشف رود به منظور درختکاری تحویل شهر داری مشهد شود.
معاون خدمات شهری شهر داری مشهد اظهار کرد: تاکنون یک میلیارد تومان بودجه در آلبوم بودجه ای برای این موضوع در نظر گرفته شده است و به محض تحویل عرصه رودخانه کشف رود، درختکاری شروع خواهد شد.

معاون کمیته امداد خراسان رضوی:

## مردم استان ۱۱۸میلیاردریال صدقه پرداخت کردند

معاون توسعه مشار کت های مردمی کمیته امداد خراسان رضوی گفت: مردم استان امسال ۱۱۸میلیار دریال صدقه به کمیته امداد استان پرداخت کردند.
حسین گیلاسی در گفت و گویا اینرا اظهار کرد: این میزان صدقات در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۳درصد افزایش دارد. وی افزود: مبلغ اهدایی مردم استان در مدت مشابه پار سال به صندوق های صدقات کمیته امداد خراسان رضوی ۱۰۴میلیار دریال بود. وی اظهار کرد: پیش بینی شده است امسال ۲۸۰میلیار دریال کمک به صندوق های صدقات استان واریز شود. وی گفت: هم اکنون ۵۰۰ هزار صندوق صدقات در استان وجود دارد.

## مدیر عامل سازمان حمل ونقل و ترافیک شهر داری خبر داد:

## شناسایی ۱۰نقطه سیاه پر تصادف در مشهد

مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر داری مشهداز شناسایی ۱۰نقطه سیاه پر تصادف در مشهد خبر داد.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهر داری مشهد، بولوار توس دور برگردان توس ۹۸، تقاطع غیر همسطح شهید فهمید، تقاطع غیر همسطح امام حسین(ع)، بزرگراه شهید باهنر و روبه روی بازار ملل، بولوار طبرسی شمالی دور برگردان طبرسی ۴۳، بزرگراه بسیج روبه روی بازار حافظ، تقاطع غیر همسطح الغدیر، تقاطع غیر همسطح جهاد، تقاطع غیر همسطح جمهوری و دور برگردان الکترود صبادر بزرگراه آزادی، ۱۰نقطه سیاه پر تصادف در مشهد است که توسط شهر داری شناسایی شده است. هادی عطارزاده در این زمینه گفت: شناسایی نقطه نقلیه، راه و محیط اطراف سه عامل مهم در گیر در تصادفات است که منجر به وقوع تصادفات خودرو با عابر پیاده، خودرو با خودرو و خودرو با دو چرخه و موتور می شود. وی با اشاره به تحلیل فرم های تصادف پلیسر را هور در این خصوص، افزود: بر اساس تحلیل های صورت گرفته محل های پر تصادف شهر شناسایی و اقدامات ایمنی با هدف هشدار به رانندگان برای توجه بیشتر و ارتندگی محتاطانه در نقاط پر تصادف انجام می شود.
مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر داری مشهد به شناسایی ۲۰۰تقاطع و ۲۰معبور تصادف شهر اشاره و تصریح کرد: از این تعداد بر اساس اولویت بندی صورت گرفته، ۱۰نقطه شناسایی شده که عمدتاً در بزرگراه ها قرار دارد و با نصب علائم ترافیکی هشدار دهنده، اطلاع رسانی صورت می گیرد. عطارزاده افزود: نصب تابلوی حاوی نماد «محدوده پر تصادف» رانندگی با احتیاط، نوع تصادف غالب و طول محدوده»، نصب نوار لرزاننده در بزرگراه ها، خط کشی عرضی هشدار دهنده، تغییر رنگ جدول و مشخصی، که مرز وزرد و گشت ویژه پلیس در این نقاط در حال اجراست.

چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸ . شماره ۴۲۵۲

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان رضوی

## جامعه

## زهن رضوی



## روایت یک روز زباله گردی

## از درآمد های عجیب تا دردسرهای غریب

# تجربه نگاری خبرنگار خراسان

# از یک روز زباله گردی

عکس های بهمن و هادی

**نویذ زنده روحیان** / آماده می شوم برای کاری که هیچ وقت تجربه اش نکرده بودم. ساعت ۸ صبح است، لباس و کفش های پاره ای را که از قبل آماده کرده بودم می پوشم، با کیسه های خالی به دست، از خانه بیرون می آیم اما هنوز در کی از شرایطی که در آن هستم ندارم تا این که کنار پیاده رو، اولین کیسه زباله را می بینم و به سرعت پاره اش می کنم و با دست تمام محتویاتش را به هم می ریزم. دستم کاملاً با شیرابه های زباله خیس می شود و سر و صورت تم هم با عرقی که می ریختم. چند قوطی نوشابه و جعبه پیتزا را برمی دارم، داخل کیسه می اندازم و دوباره چشم می کشم دنبال کیسه های زباله. هنوز در کم از شرایط عجیب و غریبی که قرار است یک روز کامل آن را تجربه کنم کامل نشده که سر همان کوچه دو سطل زباله بزرگ شهر داری را می بینم. خیلی پر نیست، مگس ها هم که در آن حسایی جولان می دهند. چند کارتن و بطری نوشابه را داخل سطل می بینم اما دستم به آن ها نمی رسد، جلوتر می روم و روی پایه سطل می ایستم، دوباره سعی می کنم اما باز هم نمی شود، مجبورم سر مرا کامل داخل سطل فرو ببرم و خم شوم تا دستم به زباله ها برسد. در همین حال کاملاً متوجه می شوم کجا ایستاده ام و حالا نامم از این سه مورد خارج نیست؛ کتفی، زباله گرد یا زباله دزد!

جوانی حدوداً ۱۸ساله، بایک شلوارورزشی وپیراهن قرمزچهارخانه که از کتفی به سیاهی می زند. کیسه ای که روی دوشش است، دوپرابر کیسه من حجم دارد. سر صحبت را با او باز می کنم.

**بارت را کجامی فروشی؟**

معمولاً به وانتی هایی که از ابتدای بولوار می گذرم و وارد بولوار پیروزی می شوم، در این خیابان جعبه های کوچک، قطعات فلزی و پلاستیکی لوازم بدکی و انواع اقسام فیلتر خودرو، جلوی تعمیرگاه ها دور ریخته شده است، درنگ نمی کنم و همه را در کیسه ام می اندازم. جلوی دریک سوپرمارکت، سطل زباله بزرگ پلاستیکی اش را باز می کنم و کارتن های داخلش را بر می دارم، صاحب مغازه نزدیک می شود و می گوید: مظنه کارتن چند است؟ جواب می دهم: دقیق خبر ندارم، کیلویی هزار تومان. می گوید: تا دلت بخواهد کارتن دارم و دیگر جایی برای نگه داشتن آن ندارم، اگر خودت باری دیگری هست که خریدارید با قیمت خوب می دهم که شما هم سود کنید. جوابی می دهم و کیسه ای که حالا کمی پر شده را روی دوشم می اندازم و به راهم ادامه می دهم.

از هر چند کوچه که می گذرم، یک سطل بزرگ شهر داری قرار دارد اما انکار سطل های کوچکی که کنار پیاده روی خیابان هاست، پروپیمان تراست. نزدیک بولوار هنرستان جعبه های پلاستیکی میوه و سبزیجات بیشتر به چشم می آید. جلوی یکی از میوه فروشی ها چند کارتن بزرگ هست، خم می شوم تا بر دارم اما صاحب مغازه خیلی سریع جلویم ظاهر می شود و اجازه نمی دهد. می گوید: خودمان این ها را می فروشیم اول بپرس اگر لازم داشتیم بردار.

جلوتر در حال جمع کردن چند کارتن پاره از باغچه پیاده رو هستم که خانمی صدام می کند، این اولین برخورد با شهروندان در طول مسیر است، تا این جایا خیلی معمولی از کنار مر دشده بودند یا در حدیک نگاه سطحی و بعد ادامه کارشان، در آن وضعیت با بی حوصلگی وشاید هم عصبانیت از کتفی شیرابه های روی دستم، خیلی سرد بودن حرف زن سر مرا به سمتش بر می گردانم، از صندوق عقب خودرو دو کیسه زباله بزرگ را بر می دارم و به دستم می دهم. با لبخند رضایتی که بر لب دارم، می گوید: این ها به دردت می خورد؟ از بین زباله های ترو خشکی که درون نایلون هاست، سه چهار پاکت سیگار، یک اسپری خوشبو کننده، یک برس مو و یک جعبه پاره کفش به دردم می خورد داخل کیسه می اندازم و مشغول ادامه زباله گردی می شوم.

### پیشنهادهای کارتنی

از بولوار صیاد شیرازی مسیر را شروع کرده ام، این ساعت از صبح زباله هایی که جلوی در خانه هاست به نسبت زیاد است، جعبه پیتزا، بطری های پلاستیکی و قوطی های فلزی نوشابه و قالیاق شکسته خودرو، دشت اول من هستند. از کوچه پس کوچه ها می گذرم و وارد بولوار پیروزی می شوم، در این خیابان جعبه های کوچک، قطعات فلزی و پلاستیکی لوازم بدکی و انواع اقسام فیلتر خودرو، جلوی تعمیرگاه ها دور ریخته شده است، درنگ نمی کنم و همه را در کیسه ام می اندازم. جلوی دریک سوپرمارکت، سطل زباله بزرگ پلاستیکی اش را باز می کنم و کارتن های داخلش را بر می دارم، صاحب مغازه نزدیک می شود و می گوید: مظنه کارتن چند است؟ جواب می دهم: دقیق خبر ندارم، کیلویی هزار تومان. می گوید: تا دلت بخواهد کارتن دارم و دیگر جایی برای نگه داشتن آن ندارم، اگر خودت باری دیگری هست که خریدارید با قیمت خوب می دهم که شما هم سود کنید. جوابی می دهم و کیسه ای که حالا کمی پر شده را روی دوشم می اندازم و به راهم ادامه می دهم.

### زباله گردی پربار در هاشمیه

بعد از صحبت و کمی استراحت، هر دو نفس مان جامی آید، کیسه ها را دوباره روی دوش می اندازیم، او به سمت مخالف می رود و من وارد بولوار هاشمیه می شوم. سطل های زباله را هم می زیم. زباله ها بیشتر است و ته مانده خوراکی ها هم همین طور، از بطری آب معدنی و نوشابه گرفته تا آب میوه و انواع اقسام خوراکی های ایرانی و خارجی را در سطل ها می بینم. کارتن و پت های پلاستیکی در هاشمیه راحت تر پیدا می شود، به واسط هاشمیه که رسیدم تقریباً کیسه پر شد.

### باسر به دنبال زباله

عرق می ریزم، زبانه به سقف دهانم چسبیده، حالم از بوی گندی که گرفته ام به هم می خورد، هر چه به وزن کیسه اضافه می شود، قد من هم خمیده تر می شود و فشار به کتف و شانه ام بیشتر، لباسم کاملاً بو گرفته، روی

### تاکید بر حذف پدیده زباله گردی و توانمندسازی زباله گرد ها

در این که زباله گردی یک معضل اجتماعی در جامعه است، شکی نیست و در این بین این معنادان را از این گروه جدا کنیم، قطعاً بخش قابل توجهی از آنان به دلیل مشکلات مالی و نبود شغل مناسب درگیر و دچار این معضل اجتماعی شده اند و به نوعی شاید چاره ای جز این کار برای آنان باقی نمانده است. پس با اذعان به مشکلاتی که فعالیت افراد به عنوان زباله گرد برای سلامت و بهداشت عمومی شهروندان و همچنین سیما و منظر شهری ایجاد می کند، نباید ز مینه مشکلات عمیق تر را برای این قشر به وجود آورد و به نوعی باید اقدامات برنامه ریزی شده ای برای سامان دهی این افراد و توانمندسازی آنان انجام داد. سید محسن رهنمایی، قائم مقام معاونت خدمات شهری شهر داری مشهد در این

اندازه تاملی کند و در کیسه اش می گذارد، از ظاهر مرتب کیسه اش معلوم است فقط کارتن جمع می کند. من هم دوباره ادامه می دهم، سطل های فلزی کوچک کنار پیاده رو را جوش داده اند و به همین دلیل نمی توانم آن را در حالت معلق جلو بیاورم تا راحت تر محتویات داخل آن را ببینم، مجبورم پیا دستم را داخل سطل ببرم و تمام زباله ها را بیرون بکشم یا این که سرم را کامل داخل سطل فرو کنم. راه سخت را انتخاب می کنم و سرم را می برم داخل سطل زباله ای که جلوی یکی از باشگاه های ورزشی هاشمیه قرار دارد؛ شش، هفت صفحه تخم مرغ در آن است. برمی دارم و می روم.

### قرار هم صنفی ها

ابتدای پل هاشمیه در حاشیه بولوار وکیل آباد، یک ربعی منتظر می مانم تا وانتی که آن جوان زباله گرد می گفت بیاید و بار را بخرد اما خبری نیست. پنج، شش پسر بچه ۴ تا ۶ساله چند کیسه نایلونی دستشان گرفته اند و با ظاهری کثیف و ژولیده وارد هاشمیه می شوند. می خواهم با آن ها صحبت کنم اما من و کیسه نارنجی رنگ کنارم را می بینند و راهشان را کج می کنند. بلند می شوم و به سمت شان می روم اما با سرعت فرار می کنند.

### این جابورس ضایعات مشهد است

بی خیال وانت بارها، بارم را سوار خودرو می کنم و به بولوار توس می روم، کیسه دیگری را برمی دارم، به سختی می توانم چند زن زباله به در بخور را پیدا کنم. می گویند در توس ۷۵(سه راه دانش) چند وقتی هست انبار های ضایعاتی زیادی رشد کرده و به نوعی بورس ضایعات مشهد شده است. به سه راهی انتهای کوچه که می رسم انبار های ضایعات استوکی فروشی خودرو زیاد است اما انبار ضایعات زباله نیست. ۲۰۰متر بالاتر بعد از پمپ گاز، کم کم جمعیت کمتری می شود و یک طرف جاده زمین های خالی است و یک طرف انبار های ضایعاتی زباله.

اطراف هر انگاه می کنم، ۱۰ زباله گرد دیگر را می بینم که در زمین های خالی و بیابانی خاک را زیر و رو می کنند تا از بین نخاله ها چیز به در بخوری پیدا کنند. در یکی از همین انبار ها را می زیم؛ روی در نوشته خرید ضایعات با قیمت عالی، چند باری در می زنم اما کسی پاسخ نمی دهد، از پشت در صدامی آید و انگار کسی روی نایلون پلاستیکی راه می رود. دوباره و این بار محکم تر در می زیم، می گویم: بارم سنگین است، باز کن کمرم شکست. این همه راه آمده ام، کجا این بار را بفروشم؟ پیر مردی که حال و روز خوبی ندارد و مشخص است به سختی جلومی آید، از گوشه باز در می گوید: مگر برای این بار پول نمی خواهی؟ من ندارم الا آن کسی نیست تا از تو بخرد، برو جلوتر انبار های دیگر هستند. من این جا فقط نگهبانم.

### کودکانی که مزبان ز نکرده زباله گرد می شوند

در را می بندد اما از پشت دیوار دو پسر بچه ظاهر می شوند، هر کدام یک کیسه دارند، یکی حتی خوب نمی تواند صحبت کند و دیگری حدوداً ۶، ۷ساله دارد. می گویم: آدمم ضایعات بفروشم، این جا کسی نبود، جای دیگری سراغ نداری؟ یک تابلو ا نشان می دهند و می گویند: عمو کنار آن تابلو یک انبار است که در قهوه ای دارد. آن جابارت را خوب می خرد. پسر

مشکلات اجتماعی نیستند و بیشتر به دلیل مسائل اقتصادی وارد این کار شده اند، به همین دلیل با همکاری بخش خصوصی ساز و کاری را در سازمان مپ شهر داری مشهد در نظر گرفته ایم تا این افراد توانمندسازی شوند و بتوانند در شرکت های خصوصی و به وسیله پیمانکاران ما در یک قالب قانونی کار کنند و از این طریق این پدیده حذف شود.

وی همچنین در خصوص همکاری بر خی پیمانکاران با زباله گرد هانیز گفت: نمی توان این موضوع را انکار کرد و این موضوع را تایید می کنیم اما این یک روال مشخص و قانونی نبوده و ساز و سوز پیمانکاران تخلف انجام شده است و سازمان مپ شهر داری نیز با این پیمانکاران به شدت برخورد می کند و جریمه های سنگینی برای آنان در نظر می گیرد و طبق قانون آن هانیا بد این کار را انجام می داند و حتی باید با زباله گردی مقابله کنند و

بزرگ تر می پرسد: بارت چیست؟ گفتم بیشتر پلاستیک و کارتن. می گوید: ارزان نفروشی. حداقل هزار تومان.

### زندگی روی زباله

به همان انبار می روم، یک نیشان آبی و یک موتور جلوی در پار ک هستند. صدامی زنم یک نفر از اتاقک کوچکی که بالای آن از ضایعات و کیوتر پر است، بیرون می آید. انبار، پر از ضایعات، زباله، پلاستیک و کارتن است. کف انبار همه این زباله ها ریخته شده و روی هم. مات این همه زباله شدم و فکر عد دور قم های آن. ناگهان یک نفر صدا زد: کیسه را بگذار روی باسکول. وزن یکی از کیسه ها ۱۰ کیلوست. می رود داخل اتاقک، من هم دنبالش می روم، پنج نفر داخل اتاقک هستند و نشسته اند پای یک گاز کوچک تک شعله... سرگرم هستند! یکی از آن هایک اسکناس ۱۰ هزار تومانی، یک دو هزار تومانی و یک هزار تومانی از جیبش در می آورد و می دهد. به مرد جوان و او هم به من می دهد. می گوید بارت ۱۰ کیلو بود، کیلویی ۱۵۰۰، این هم ۱۲ هزار تومان، دفعه بعدی بقیه اش را بگیر.

می گویم: همه اش کارتن و پلاستیک است. پاسخ می دهد: در هم است، فقط اگر بطری نوشابه یا کارتن را جدا کنی، بیشتر می دهم. ما از همه بهتر می خریم، می توانی قیمت بگیری. حوصله در دسر ندارم، پول را می گیرم و می آیم بیرون...

### زباله گردی شبانه

دوباره بر می گردم داخل شهر و ادامه می دهم، هوا تاریک شده و ساعت حدود ۸ شب است، نور کوچه کم است، تمام بدنم دردمی کند، در بین تاریکی چند نفر را می بینم که پای درخت ها و جلوی در خانه ها مشغول زباله گردی هستند، هشت نفری که با سرعت فقط کیسه ها را پاره می کنند، چند نفر زباله گردی هستند، هشت نفری که با سرعت فقط کیسه ها را پاره می کنند، ناگهی می اندازند و سریع زباله های به در بخور را داخل کیسه می اندازند. سر چهارراهی که می رسم پنج نفر دیگر را هم می بینم، سر عشتان خیلی بالاست. از یکی از آن های پرسم چر این قدر با عجله؟ می گوید: چند دقیقه دیگر خودروهای جمع آوری زباله شهر داری می آید. این را می گوید و به سرعت می رود، بین راه دوسه نفر راهشان را از بقیه جد امی کنند و وسط یکی از کوچه ها منتظر می شوند، یک وانت وارد کوچه می شود، در آن تاریکی ها جلو که می روم متوجه می شوم روی پیکان وانت نوشته طرح جمع آوری ضایعات خشک اصناف؛ کیسه ها را همان جا وزن می کنند و معامله انجام می شود، به سرعت از هم جد امی میشوند و وانت کمی جلوتر گوشه دنجی پیدا می کند و کیسه هایی را که خریده و روی هم انداخته بود، دوباره پایین می آورد، ضایعات را از کیسه ها بیرون می کشد همان جاتفکیک می کند و می دهد به نفری که بالاست. این کار را ادامه می دهند تا کیسه ها تمام شود. از صبح که به عنوان زباله گرد وارد شهر شدم تا الان که با سرو وضع ژولیده بوی زنده در حال رفتن به خانه ام، بر ایم بیشتر از یک روز گذشت، خیلی طولانی، خیلی سخت و خیلی عجیب و غریب بود؛ کاری که تجربه کردنش برای در ک وضعیت زباله گرد ها و شرایط آن ها لازم بود؛ حالا بهتر می توانم در گزارش های آینده از معضلات و مشکلاتی که زباله گرد ها برای شهر و بهداشت محیط ز ندگی شهروندان در ست می کنند، بنویسم و عملکرد مسئولان و متولیان در این زمینه را برسی و نقد کنم.

در بیشتر موارد نیز مجوز این پیمانکاران متخلف باطل شده است. همچنین کربیمان مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهر داری مشهد در گفت وگوبا «خراسان رضوی»، تصریح کرد: یکی از طرح های مهم سازمان مپ در خصوص جلوگیری از رشد زباله گردی، تفکیک زباله از مبدا است که به وسیله الیکیشن سیمپ با عنوان سیستم مدیریت یکپارچه پسماند صورت می گیرد و محل زباله های خشک توسط مردم روی نقشه مشخص و ماموران و پیمانکاران ما که از بخش خصوصی هستند به محل مراجعه و زباله خشک را با مبلغی حدود ۸۰۰تومان از شهروندان خریداری می کنند و در همان لحظه کیف پول الکترونیکی شهروند شارژ خواهد شد که این طرح به صورت آزمایشی در منطقه ۹ اجرا شده است و تا و ماه آینده در کل مناطق شهر اجرا خواهد شد.